

## پیام کتاب پیدایش

خیس فان دن بریک

پیدایش (Genesis) یک کلمه یونانی به معنای آغاز و منشأ است. در عهد عتیق که در واقع به زبان عبری نوشته شده است، پیدایش یا «bereshit» به معنای «در آغاز» می باشد.

نگارنده کتاب

بنا به آنچه در عهد عتیق (به عنوان مثال: خروج 14:17، لاویان 1:1-2، اعداد 2:33 و تثنیه 1:1) و همچنین در عهد جدید (به عنوان مثال: متی 4:8، رومیان 19:10) آمده، نویسنده پنج کتاب اول عهد قدیم موسی بوده است.

زمان و مکان نگارش

تاریخدانان مکان نگارش این کتب را در محدوده کنونی عراق، اسرائیل و مصر یافته اند و زمان نگارش آن به بیش از 2000 سال قبل برمی گردد: از خلقت انسان تا مرگ یوسف .

طبقه بندی کتاب پیدایش

کتاب پیدایش تنها روند تاریخی پیدایش بشر را بازگو نمی کند، بلکه این کتاب تفسیر روحانی این تاریخچه می باشد.

کتاب پیدایش شامل دو بخش اصلی است

- الف. بخش اول پیدایش 1:1 – 9:11، که شامل چهار رخ داد عمده می باشد
- ب. بخش دوم پیدایش 10:11 – 26:50 که شامل داستان چهار نسل مهم می باشد

❖ چهار واقعه عمده در زمان های قبل

1. آفرینش (1:1-2:25): خداوند آفریننده همه چیز است، مواد، انرژی، مکان و زمان. انسان تاج آفرینش خداوند است
2. سقوط (3:1-5:32): به واسطه گناه اولیه در بهشت (پیدایش 3)، انسان در برابر خداوند طغیان می کند. نتیجه آن جدایی بین خدا و انسان است. با رخ دادن گناه ثانویه (پیدایش 4. قائن و هابیل) میان مردم جدایی به وجود می آید.
3. سیلاب گناه (6:1-9:29): با افزایش جمعیت مردم، گناه نیز گسترده می شود و خداوند تصمیم می گیرد تا بشریت را نابود کند به جز نوح و خانواده او.
4. ملت ها (10:1-11:9): پیدایش یگانگی انسانیت را آموزش می دهد. ما همگی به واسطه نوح، فرزندان آدم هستیم. به دلیل طغیان بر ضد خداوند در زمان برج بابل، خداوند این یگانگی زبان و فرهنگ را از میان برد و هم اکنون این همه زبان و فرهنگ متفاوت در سراسر دنیا وجود.

❖ چهار نسل

بعد از درهم شکسته شدن یگانگی ملت‌ها، خداوند بر یک مرد و نوادگان او تمرکز می‌کند، که به وسیله او می‌خواند دنیا را برکت دهد.

1. ابراهیم (10:11 – 18:25): فراخواندن ابراهیم در پیدایش 12، قلب کتاب مقدس است. خداوند با ابراهیم عهدی می‌بندد و به او سه وعده می‌دهد.

2. اسحاق (10:25 – 35:26): خداوند عهد با ابراهیم را با اسحاق نیز می‌بندد.

3. یعقوب (1:27 – 43:36): خداوند یعقوب را از فردی خودخواه به یک خدمتگزار بدل می‌کند و نام او را از یعقوب به اسرائیل تغییر می‌دهد. او پدر دوازده قبیله اسرائیل می‌شود.

4. یوسف (1:37 – 26:50): یوسف فرزند محبوب یعقوب است که برادرانش از او متنفر هستند پس او را به عنوان برده به مصر می‌فروشند. پس از آن یوسف خانواده‌اش را از قحطی در اسرائیل نجات می‌دهد و به «جوشن» در مصر می‌برد.

پیدایش با این بخش به پایان می‌رسد که یوسف به فرزندانش در مورد فرارسیدن زمان مرگش می‌گوید. مردم در مصر تحت ظلم هستند و منتظر آمدن نجات هستند، که شرح آن در کتاب بعدی خروج گفته می‌شود.

## پیام کتاب پیدایش

### بخش اول زمان‌های قبل، پیدایش 1-11

#### آفرینش

نقطه اوج: آفرینش انسان‌ها

پیدایش 1:26-28 را بخوانید:

آنگاه خدا گفت: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگانی که بر زمین می‌خزند، فرمان براند» پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جانداري که بر زمین حرکت می‌کند، فرمان برانید.»

معنای انسان به شباهت خداوند آفریده شده است چیست:

❖ ما انسان‌ها می‌توانیم نابیان سلطنت خداوند باشیم، همان طور که خداوند پادشاه است. ما هم مانند خداوند می‌توانیم به زمین و تمام حیوانات حکمرانی کنیم.

❖ انسان باید میوه ثمر بیاورد. خداوند انسان را زن و مرد آفرید. ما می‌توانیم فرزندان به دنیا بیاوریم و بارور باشیم. داشتن ثمره از طریق برکتی هست که خداوند به ما داده است.

❖ خداوند می‌فرماید: «به شباهت خودمان»، از ضمیر جمع استفاده می‌شود. چرا که انسان‌ها نیز در سه بعد (تثلیث) آفریده شده‌اند، روح، جان و جسم. (اول تسالونیکیان 23:5).

ما از طریق جسم می‌توانیم با دنیا ارتباط داشته باشیم، از طریق حس پنج‌گانه: بویایی، چشایی، بینایی، شنوایی و لامسه.

از طریق جان، با دنیای درون خود ارتباط برقرار می‌کنیم. با «من» خودمان

ما از طریق روحمان با دنیای بالا، دنیای روحانی (ارتباط ما می‌تواند با خداوند باشد، می‌تواند با شیر و شیطان).

پس خداوند انسان را شبیه خود ساخت چون خودش دارای سه بعد هست و انسان هم دارای سه بعد هست.  
قرآن

در قرآن سوره بقره آیه 2 آمده است که انسان خلیفه خدا، معاون او در زمین است، که چیزی مشابه با آنچه در بائبل با عنوان نایب السلطنه می‌باشد. اما فرق اساسی این است که قرآن از اینکه انسان شبیه خداوند آفریده شده، صحبتی نمی‌کند! کتاب مقدس بر روی شیب بودن انسان به خداوند تأکید دارد در حالی که در قرآن اشاره به تفاوت انسان با خدا است. به همین دلیل است که محمد نتوانسته تثلیث را بپذیرد و باور نداشته است. به همین دلیل نیز هست که در قرآن می‌خوانیم، آدم هیچ نامی برای حیوانات انتخاب نکرد، بلکه باید صبر می‌کرد تا خداوند بر جانداران نام انتخاب کند.

*سقوط به واسطه گناه، سیلاب گناه و طغیان مردم*

در پی نافرمانی انسان در باغ عدن (پیدایش 3:7-24) بسیاری از اتفاقات ناگوار به وقوع می‌پیوندد. خشونت، مرگ، درد، ناراحتی، بیماری و غیره. هنگامی که قائل معترض می‌شود که چرا قربانی من پذیرفته نشد، خداوند به او می‌گوید این به خاطر گناهی است که انجام داده‌ای.  
می‌خواهیم راجع به گناه اولیه صحبت کنیم: وقتی که آدم و حوا نا اطاعتی کردند، گناه وارد ذات آن‌ها و وارد دنیا شد، و از طریق این نا اطاعتی و گناهی که وارد شد دنیا سقوط کرد و دنیا، انسان‌ها در مریضی، درد، غم، ناراحتی، مرگ قرار گرفتند.

پیدایش 4:6-7 را بخوانید:

آنگاه خداوند به قائل گفت: «از چه سبب خشمگینی و چرا دل‌ریش گشته‌ای؟ اگر آنچه را که نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته نمی‌شوی؟ ولی اگر آنچه را که نیکوست انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی.»

خداوند در مورد گناه تعلیم می‌دهد که انسان باید بر آن غلبه می‌کرد، اما قائل این کار را نکرد. لَمِک، یکی از نوادگان قائل که دوزن داشت، یک فردی را از روی انتقام جویی به قتل می‌رساند و حتی در مورد این عمل خود آواز تحسین می‌سراید (پیدایش 4:19-24).

به این ترتیب گناه در میان آدمیان گسترش پیدا می‌کند و مردم خشونت را ستایش می‌کند و به این همین صورت چندهمسری در میان مردم نیز رایج می‌شود و آن‌ها دیگر به ازدواج یک مرد با یک زن پای بند نیستند.

حالا چگونه خداوند این مسئله را داوری می‌کند:

پیدایش 6:5 را بخوانید:

خداوند دید که شرارت انسان بر زمین بسیار است، و هر نیت اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است و بس. و 21:8- چرا که هرچند که نیت دل انسان از جوانی بد است.

وقتی که سیل و طوفان می‌آید به‌غیر از نوح و خانواده‌اش خداوند همه چیز را نابود می‌سازد؛ پس خداوند بار دیگر با نوح و خانواده‌اش از نو آغاز می‌کند مثل آدم و حوا، اما بعد از نوح باز هم این نسل‌ها اشتباه کردند و در شرارت ماندند.

*شورش ملت‌ها در شهر بابل، پیدایش 11*

پیدایش 4:11-8 را بخوانید:

4- آنگاه گفتند: «بیاید شهری برای خود بسازیم و برجی که سر بر آسمان ساید، و نامی برای خود پیدا کنیم، مبادا بر روی تمامی زمین پراکنده شویم.» 5- اما خداوند فرود آمد تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند، ببیند. 6- و خداوند گفت: «اینک آنان قومی یگانه اند و ایشان را جملگی یک زبان است و این تازه آغاز کار آن هاست؛ و دیگر هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان بازداشته نخواهد شد. 7- اکنون فرود آییم و زبان ایشان را مغشوش سازیم تا سخن یکدیگر را درنیابند.» 8- پس خداوند آنان را از آنجا بر روی تمامی زمین پراکنده ساخت و از ساختن شهر بازایستادند.

پس از وقوع سیل، تقریباً 10 000 سال قبل از تولد مسیح، دنیا با ملت های گوناگون از نسل خانواده نوح پر شده بود. در پیدایش فصل 10، فهرستی از این ملت ها را می خوانید که بیش از 70 ملت هستند.

اما این ملت ها فرمان خدا را فراموش می کنند و گمان می کنند که دیگر به خدا نیازی ندارند و می خواهند نام خود را مشهور کنند. آن ها از انجام اراده خدا سرباز می زنند و نمی خواهند بیشتر در سراسر زمین پخش شوند.

این دقیقاً بر خلاف نقشه خداوند بود: او می خواهد که ملت ها زمین را پر کنند و نام خداوند را جلال دهند.

این وقایع در طی یک دوره چند هزار ساله اتفاق می افتد. اما اوج آن بین 3500 تا 2500 سال قبل از میلاد مسیح است: ساخت برج بابل

این اتفاق باعث می شود که خداوند دوباره آن ها را قضاوت و داوری کند. خداوند کاری می کند تا مردم دیگر زبان همدیگر را نفهمند. به این ترتیب نقشه مردم متوقف می شود.

این یک درس بزرگ و یک هشدار بزرگ است: مراقب استبدادهایی که به وجود می آیند باشید وقتی که مردم، ملک و قدرت جای خداوند را می گیرد. مراقب کسانی باشید که با در هم آمیختن مذهب و سیاست سعی در کسب قدرت دارند. این فرهنگ بابل است که خداوند آن را مورد قضاوت قرار می دهد. (پیدایش 18)

همچنین، مراقب کلیساها باشید که می گویند تنها کلیسای حقیقی هستند و خود را بالاتر و برتر از دیگران می دانند. روز موعود نزدیک است هنگامی که خداوند قضاوت می کند و این کلیساها را پراکنده می سازد. این قضاوت صدها بار در تاریخ کلیسا به وقوع پیوسته است.

اما هنوز نشانه های امید وجود دارد

❖ نابودی مار وعده داده شده است

پیدایش 15:3 «میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه یی را خواهی زد.»

خداوند می گوید: بین ذریت زن و ذریت تو که همان مار و شیطان است عداوت می گذارم (آیه 15)، یک نبرد روحانی بین گروه شیطان و کسانی که ایمان دار هستند.

این آیه به عنوان اولین وعده خداوند نامیده می شود. بعداً مشخص می شود که چه معنای معنوی عظیمی در این کلمات است. که این فقط در مورد انسان ها و مارها نیست، بلکه در مورد شیطان (پیدایش 9:12) و پسر انسان، یعنی عیسی مسیح است.

❖ قربانی هابیل و صبر خداوند بر قائل

پیدایش 3:4-4، 15 را بخوانید:

3- پس از چندی، قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد. 4- ولی هابیل از نخست زادگان گله خویش و از بهترین قسمت‌های آن‌ها هدیه‌ای آورد. خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت. 15- آنگاه خداوند به او گفت: «در این صورت، هر که قائن را بکشد، از او هفت چندان انتقام گرفته خواهد شد.» و خداوند نشانی بر قائن نهاد تا اگر کسی او را بیابد، وی را نکشد.

به واسطه یک قربانی که خونی ریخته می‌شود بخشش می‌آید. این موضوع بعدها در طی تاریخ واضح‌تر می‌شود. این قربانی تصویری از عیسی مسیح است. جالب است که خداوند چقدر در برابر قائن صبور و بخشنده است. در مورد نوادگان قائن نیز همین‌طور است و تا به امروز باقی است. کتاب مقدس می‌گوید همه انسان‌ها گناهکار هستند و عیسی مسیح می‌گوید هر کس در قلب خود آرزوی مرگ کسی را بکند او نیز قائل است. (متی 22:5)

❖ قربانی سوختنی نوح. حیوان قربانی شده کاملاً سوزانده می‌شود.

پیدایش 3:4-4، 15 را بخوانید:

22- آنگاه نوح مذبحی برای خداوند بنا کرد و از همه چارپایان طاهر و از همه پرندگان طاهر گرفته، قربانی‌های تمام سوز بر مذبح تقدیم کرد. 21- و رایحه خوشایند به مشام خداوند رسید و خداوند در دل خود گفت: «دیگر هرگز زمین را به سبب انسان لعنت نخواهم کرد، هر چند که نیت دل انسان از جوانی بد است. و دیگر هرگز همه جانداران را هلاک نخواهم کرد، چنانکه کردم. 22- «تا زمانی که جهان باقی است، کشت و درو، سرما و گرما، تابستان و زمستان، و روز و شب، باز نخواهد ایستاد.»

1. قربانی سوختنی نشان کفاره (دور از خدا) و شکر گذاری
2. بدون قربانی امکان سازش با خدا و رهایی از غضب خداوند وجود ندارد.
3. نوح یک کاهن و یک واسطه که قربانی را برای نسل نو از انسان‌ها انجام می‌دهد. نوح تصویر و سایه ای از کار عیسی مسیح را بعداً انجام می‌دهد. به همین دلیل قربانی نوح در قرآن گفته نشده است اما در کتاب مقدس آمده است.

و سپس خداوند نگرش خود را نسبت به مردم تغییر می‌دهد.

خدا پیمان می‌بندد.

این اولین عهدنامه است که خداوند با ما انسان‌ها بسته است. آخرین میثاق بسته شده «عهد جدید» است که با خون مسیح بسته شده است. (لوقا 22:20)

میثاق خدا با مردم دارای سه ویژگی است:

1. ابتکار عمل از خداوند است
2. حاوی وعده‌هایی از سوی خداست
3. انتظار پاسخ از انسان‌ها وجود دارد

پیمان خداوند در ویژگی‌های 1 و 2 بدون قید و شرط است،

اما در مورد بند 3 مشروط است.

پیدایش 9:3-13 را بخوانید:

3- هر جنبنده‌ای که حیات دارد، خوراک شما خواهد بود. همان‌گونه که گیاهان سبز را به شما دادم، اکنون همه‌چیز را به شما می‌بخشم. 4- اما گوشت را با حیاتش که خون آن باشد، نخورید. 5- به یقین تاوان خون شما را که حیات در آن است باز خواهیم ستانید: از هر جانوری آن را باز خواهیم ستانید. تاوان جان انسان را از دست همنوعش نیز باز خواهیم ستانید. 6- «هر که خون انسان ریزد، خونش به دست انسان ریخته شود؛ زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت. 7- و اما شما، بارور و کثیر شوید؛ بر زمین منتشر گردید و در آن بیفزایید». 8- سپس خدا، نوح و پسرانش را با وی خطاب کرده، گفت: 9- «اینک من عهد خویش را با شما و پس از شما با فرزندان شما استوار می‌سازم، 10- و نیز با هر جانداري که با شما باشد، از پرندگان و چارپایان و همه‌ جانوران زمین، یعنی با همه‌ آن‌ها که از کشتی بیرون آمدند؛ این برای همه‌ جانوران زمین خواهد بود. 11- من عهد خود را با شما استوار می‌گردانم که دیگر هرگز هر ذی‌جسد به آب توفان هلاک نشود، و دیگر هرگز توفانی نباشد که همه‌ زمین را ویران کند.» 12- و خدا گفت: «این است نشان عهدی که من میان خود و شما و هر جانداري که با شماست، برای همه‌ نسل‌های آینده می‌بندم. 13- رنگین کمان خود را در ابر قرار داده‌ام، و آن نشان عهدی خواهد بود که میان من و زمین است.

بنابراین این پیمانی که خداوند نه فقط برای انسان‌ها بلکه با تمام آفرینش تا به ابد می‌بندد. خداوند این وعده را می‌دهد که دیگر در اثر سیل انسان‌ها و حیوانات را نابود نخواهد کرد و زیر لعنت نخواهد برد (آیه 11) و رنگین کمان را به عنوان نشانه‌ای از این پیمان به وجود می‌آورد. این پیمان نه فقط نوح بلکه برای تمام کسانی که بعد از نوح می‌آیند شامل می‌شود.

اما در مقابل از انسان خواسته می‌شود که به زندگی و حیات احترام بگذارد و دیگر مرتکب قتل نشود (آیه 6). ولی در صورتی که انسان به این عهد وفادار نباشد، این نافرمانی موجب آسیب و نابودی خلقت می‌شود اما همه‌چیز از میان نخواهد رفت!!

بخش دوم: تاریخچه سران قوم

بعد از وقوع سیل چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ طی 7000 سال بعد از آن سیل عظیم، خداوند بسیار غمگین است چرا که انسان‌ها تصمیم می‌گیرند تا جایگاه خداوند را بگیرند همچنین آن‌ها برجی بلند می‌سازند تا به آسمان برسند. پس خدا دخالت می‌کند و برنامه انسان‌ها را به هم می‌زند.

خداوند ابراهیم را فرامی‌خواند و او را برای اجرای طرحی جدید برمی‌گزیند.<sup>۲</sup> این واقعه مربوط به قرن 19 قبل از میلاد مسیح می‌باشد و اما سؤال این است که این کار به چه صورت انجام می‌شود؟

فراخواندن ابراهیم در پاسخ به دنیای گناهکار، پیدایش 11-25

1 به عنوان مثال انسان‌ها با تقسیم ناعادلانه منابع غذایی موجب مرگ هم نوعان خود در نقاط محروم دنیا می‌شوند.  
2 ابراهیم در شهری به نام «اور کلد» زندگی می‌کرده. شهری که در کتاب مقدس به عنوان زادگاه اسراییل و ابراهیم ذکر شده است جایی در شمال سوریه کنونی.

خداوند با ابراهیم، یکی از پسران تارح (پسر ناحور و پدر ابراهیم و از شخصیت‌های عهد عتیق است) صحبت می‌کند و این مقدمه واقعه‌ای مهم است که تا به امروز، حدود 4000 سال بعد، بازتاب دارد.

پیدایش 12:1-3 را بخوانید:

1- خداوند به ابرام گفته بود: «از سرزمین خویش و از نزد خویشان خود و از خانه پدرت بیرون بیا و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو. 2- از تو قومی بزرگ پدید خواهد آورد و تو را برکت خواهم داد؛ نام تو را بزرگ خواهم ساخت و تو برکت خواهی بود. 3- برکت خواهم داد به کسانی که تو را برکت دهند، و لعنت خواهم کرد کسی را که تو را لعنت کند؛ و همه طوایف زمین به واسطه تو برکت خواهند یافت.»

دعوت خدا از ابراهیم و ایمان ابراهیم به طرح خداوند نمونه ایمانی است که از پیروان عیسی نیز انتظار می‌رود (پولس در غلاطیان 3:8-9)

فرمان خداوند به ابراهیم برای سفر به سرزمین جدید برای مردم عشایر موضوع غریبی نیست چرا که آن‌ها معمولاً در حال کوچ هستند ولی نکته این است که: از ابراهیم خواسته می‌شود سرزمین خود (حاران)، قبیله و حتی خانه پدری‌اش را ترک کند. تارح پدر ابراهیم، پس از رفتن ابراهیم 60 سال عمر می‌کند. این تصمیم دشواری برای ابراهیم است که پدر و خانواده‌اش را رها کرد.

ابراهیم چهار برابر آنچه خدا وعده داده بود را می‌گیرد

1. من تو را برکت فراوان می‌دهم و قوم تو را کثیر می‌کنم. وقتی ابراهیم سن بالایی داشت و همسر او نازا می‌باشد.

2. من نام تو را بزرگ خواهم کرد و نام تو را مشهور خواهم ساخت. اگر کمی به عقب برگردیم و به برج بابل برسیم می‌بینیم که انسان‌ها می‌خواستند خودشان نام خودشان را بزرگ و مشهور کنند اما خداوند نگذاشت که آن اتفاق بیافتد.

3. شما نعمت خواهید بود، من شما را نعمت می‌کنم. خداوند می‌گوید از برکت تو قوم‌های دیگر هم می‌توانند برکت بگیرند. معمولاً پادشاهی را برکت می‌دادند که آن برکت به قومش برسد، و برکتی را که خداوند به ابراهیم می‌دهد از طریق او به فرزندانش و نسلش و کسانی که بعد از او آمدند می‌رسد. برکت شامل سعادت، ثروت، صلح و فرزندان است.

ملت‌های جهان در زمان برج بابل هدایای خوب را می‌خواستند، اما اهداکننده را نمی‌خواستند. آن‌ها شروع به برکت دادن کردند، تا برای خود نامی بسازند. همانند آنچه امروز در فرهنگ غرب مشاهده می‌کنیم. هر کشوری و هر فردی در حرفه خودش و برای تنها خودش تلاش و فعالیت می‌کند.

خدا قطعاً به آن پایان می‌دهد. در این شکی نیست.

4. من کسی را برکت می‌دهم که تو را برکت دهد. من از تو نگهداری و محافظت می‌کنم و اگر کسی تو را لعنت کند من او را لعنت می‌کنم!

و در آیه 3 اوج این وعده را می‌بینیم: «همه طوایف زمین به واسطه تو (ابراهیم) برکت خواهند یافت.»

از طریق ابراهیم و فرزندانش، نعمت خدا به همه ملت‌ها خواهد رسید! ابراهیم منبع برکت برای بقیه جهان خواهد شد. این وعده‌ای که خداوند حدود 4000 سال پیش داده است.

ما نیز از وعده‌ای که خداوند به ابراهیم داده است بهره‌مند می‌شویم. از طریق مهم‌ترین نسل از ابراهیم، عیسی مسیح، ما نیز به ملت نجات یافته اضافه شده‌ایم. خداوند ابراهیم را نه به این دلیل که از دیگران برتر بود انتخاب کرد، بلکه به این دلیل که برای انجام برنامه خود به شخصی احتیاج داشت تا ملت‌های جهان را به خداوند بازگرداند. به همین ترتیب با ما از دیگران بهتر نیستیم، اما خداوند می‌خواهد از ما برای نجات جهان استفاده کند!!!

میثاق خداوند با ابراهیم

کمی بعدتر خداوند مجدد میثاقش را با ابراهیم تجدید می‌کند و این بار عهدی با او می‌بندد.

پیدایش 18:15 را بخوانید:  
15- در آن روز خداوند با ابرام عهد بست و فرمود: «این سرزمین را به نسل تو می‌بخشم، از رود مصر تا رود بزرگ فرات»

- در اینجا دوباره همان مدل وجود دارد:
1. خداوند ابتکار عمل را به دست می‌گیرد
  2. خدا وعده می‌دهد
  3. او از ابراهیم انتظار جواب و عمل دارد

پیدایش 4:12 را بخوانید:  
14- پس ابرام، چنانکه خداوند بدو فرموده بود، روانه شد؛ و لوط نیز همراه او رفت. ابرام هفتاد و پنج ساله بود که از حران بیرون آمد.

پس از آن، وعده خداوند به فرزند ابراهیم اسحاق داده شد (پیدایش 4:26) و بعد از آن به پسر اسحاق یعقوب نیز تکرار شد (14:28).

خداوند به انسان‌های معمولی، مانند یعقوب، وعده‌های بزرگی می‌دهد.

در واقعه‌ای که در پیدایش 27 می‌خوانیم می‌بینیم که چطور اسحاق که حالا پدر پیری است، توسط همسر و پسر کوچکش یعقوب فریب می‌خورد. به این ترتیب میان دو فرزند اسحاق عیسو و یعقوب که اتفاقات ناخوشایندی رخ می‌دهد و عیسو تصمیم می‌گیرد برادرش یعقوب را بکشد. چرا عیسو می‌خواست برادرش را بکشد؟ چون یعقوب با اینکه کوچک‌تر از عیسو بود با فریب و حيله نخست زادگی او را از او می‌گیرد. یعقوب تصمیم می‌گیرد از جنوب اسرائیل نزد عمویش لابان در قَدان آرام، تقریباً در سوریه امروزی فرار کند. و در آنجا به دنبال همسری برای خود می‌گردد. برخورد اسحاق با این وقایع ناخوشایند و دردناک چگونه بود؟ آیا او در خشم و نفرت جان داد؟ خیر، اتفاق شگفت‌انگیزی در اینجا رخ می‌دهد. اسحاق بسیار متفاوت‌تر از آنچه انتظار می‌رفت واکنش نشان می‌دهد.

پیدایش 1-28:4 را بخوانید:  
1- پس اسحاق یعقوب را فراخوانده، او را برکت داد و او را امر فرموده، گفت: «زنی از دختران کنعانی بگیر. 2- بلکه برخیز و به قَدان آرام به خانه پدر مادرت، بتوئیل، برو. و از آنجا، از دختران برادر مادرت، لابان، زنی برای خود



بگیر. 3- خدای قادر مطلق تو را برکت دهد و بارور و کثیر گرداند تا از تو قوم‌های بسیار پدید آید. 4- و برکت ابراهیم را به تو دهد، به تو و به نسل تو، تا وارث سرزمین غربت خود شوی، که خدا آن را به ابراهیم بخشید.»

در حقیقت این برکت را که به یعقوب می‌دهد از طریق اراده خداوند به او می‌دهد. یعقوب پدرش را فریب داده است اما پدر او را رها نمی‌کند و دعای طلب برکت برای فرزندش می‌کند و از خداوند می‌خواهد که به یعقوب قدرت و برکت بدهد!! (آیه 3) و خداوند نیز این دعای اسحاق را مستجاب می‌کند.

اسحاق در اصل سایه ای، یا نشانه‌ای از عیسی مسیح است که با وجود گناهی بزرگ یعقوب، پدرش اسحاق او را ترک نکرده است و خداوند نیز او را ترک نمی‌کند.

سال‌ها بعد یعقوب با دو همسرش برمی‌گردد و ۱۲ پسر دارد که این ۱۲ پسر یعقوب همان ۱۲ طایفه اسرائیل را تشکیل خواهند داد. در میان فرزندان، یعقوب پسرش یوسف را که از همسرش راحیل، بیشتر دوست دارد.

زندگی یوسف، سایه ای از عیسی مسیح

برای یوسف اتفاقات بسیاری افتاد و وقتی که یوسف خواب زیبایی خود را برای برادرانش تعریف می‌کند آن‌ها به او حسادت می‌کنند.

تاریخ زندگی یوسف را در ادامه می‌دانید. زندگی یوسف سایه ای از عیسی مسیح در عهد عتیق است. زندگی یوسف نبوت و پیشگویی درباره مسیح است. بنابراین این ویژگی‌ها در زندگی یک مسیحی که پیرو عیسی است نیز وجود دارد.

۱. یوسف پسر عزیز پدرش بوده است، عیسی هم فرزند عزیز خداوند است. پیدایش 3:37 / متی 17:3
۲. پدر یوسف او را همراه برادرانش می‌فرستد، خداوند عیسی را برای برادرانش که قوم اسرائیل باشند می‌فرستد. پیدایش 13:37 / یوحنا 5:17
۳. یوسف خواب سلطنت و پادشاهی را می‌بیند اما برادرانش از او متنفر می‌شوند، عیسی مسیح هم وقتی می‌خواهد ملکوت و پادشاهی خداوند را بیاورد مردم از او نفرت پیدا می‌کنند. پیدایش 5:37 / متی 30:24-31
۴. برادران یوسف می‌خواهند او را بکشند، برادران عیسی مسیح هم می‌خواهند او را بکشند. پیدایش 18:37-20 / لوقا 13:20-14:19؛ 47:19
۵. یهودا برادر یوسف او را برای پول می‌فروشد، یهودا اسخریوطی عیسی مسیح را به خاطر پول می‌فروشد. پیدایش 28:37 / متی 14:26-15
۶. یوسف محکوم می‌شود به اینکه خطا کرده در صورتی که گناهکار نبود، عیسی مسیح هم محکوم به گناه شد در صورتی که گناهکار نبود. پیدایش 13:39-18 / متی 26:59-65
۷. یوسف به زندان می‌افتد چون نمی‌خواست گناهی بکند، عیسی مسیح گناهی نداشته و بی‌گناه به صلیب کشیده می‌شود. پیدایش 13:39-18 / متی 27:15-28
۸. یوسف از زندان خوانده می‌شود و وارد دربار می‌شود و پادشاه مصر یوسف را آزاد می‌کند، خداوند عیسی مسیح را از مرگ نجات می‌دهد. پیدایش 14:41 / افسسیان 1:18-20
۹. یوسف تمام قدرت را در مصر به دست می‌گیرد، عیسی مسیح بعد از قیامت از مردگان تمام قدرت آسمان و زمین در دستان اوست. پیدایش 41:42-44 / متی 28:18

۱۰. یوسف خوانده می‌شود به مصر بیاید و عده زیادی که از گرسنگی در حال مرگ بودند را نجات دهد، عیسی مسیح هم به روی زمین فرستاده شد تا ما را از مرگ نجات دهد. پیدایش 7:45 / یوحنا 16:3